

## تأثیر منطقه گرایی بر معماری اقلیمی

هادی فضلی

استادیار، گروه مهندسی عمران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
Hfazli@iust.ac.ir

رقیه رضانزاد (نسیم)

مربی، گروه مهندسی معماری، دانشگاه آزاد واحد یادگار امام شهرری، تهران، ایران  
nasimrezanejad@yahoo.com

### چکیده

معماری اقلیمی مانند هر معماری سنتی دیگر، با جهان شناسی مانوس و مرتبط است. رابطه میان معماری و ویژگی های محیطی نه تنها برای معماران بومی اهمیت دارد بلکه برای معماران غیربومی که در بستر فرهنگی متفاوتی رشد یافته اند نیز اهمیت به سزایی دارد. کنکاش در فرایند چنین تعاملی هم برای معمار غیربومی و هم برای مخاطبان، کارفرمایان و تحلیل گرایان مملو از دریافت های منحصر به فرد و گهگاه تردید آمیز است. یکی از این تردید ها آن است که در دنیای امروز که مرزهای قراردادی کشور ها در پیشگاه معماران اعتبار خود را از دست داده و آنها همواره در جستجوی فرصت هایی تازه در محیط هایی تازه اند، آیا طرح این توصیه که اثر معماری می باید با بستر فرهنگی در تعامل باشد معتبر است یا خیر؟ انگاره های نوین جهانی شدن که نگرش های منطقه ای را محترم میداند به پرسش فوق پاسخ مثبت داده است. امروزه تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در نقاط مختلف جهان بر اساس نگرش جهانی-بومی صورت می گیرد. در این مقاله تلاش گردیده تا خاستگاه تعامل گرایی در فلسفه ی علوم اجتماعی و فرایندهای زیست محیطی و بوم شناسانه تبیین شود. سپس، اثربخشی این نگرش در حوزه منطقه گرایی معماری معلوم گردیده و در نهایت، مدل تعریف رویکرد منطقه گرایی تعاملی و مدل تحلیل آن در نمونه های موردی ارائه شده است. منطقه گرایی انتقادی منجر به باز تحول انتقادی فرهنگ بومی با کاربرد راهبرد های مدرنیستی خواهد شد. همچنین، آنچه که بعنوان تایید محیط های بومی از منظر منطقه گرایی انتقادی مطرح است، ارتباط مشهودی با موضوع مواجهه ی جهان با بحران های رو به افزایش زیست محیطی دارد.

واژگان کلیدی: اقلیم گرایی، معماری سبز، معماران بومی، پایداری، تعامل گرایی



## مقدمه

ویژگی منطقه‌ای، خاصیت ضروری هر معماری معتبر است. از آنجا که تمام ساختمان‌ها بخشی از اینجای متعین را تشکیل می‌دهند، نمی‌توانند همه جا مانند هم باشند، بلکه باید ویژگی‌های خاص مکان معینی را در بر داشته باشند. از زمان‌های دیرین این ویژگی به عنوان حال و هوا شناخته شده است و ساختمان‌های تاریخی، گرچه به سبکی عام تعلق داشته‌اند، اما معمولاً دارای حال و هوای محلی مشخصی بودند. بنابراین معماری به انسان کمک می‌کرد که خود را با روحیه‌ی مکان یکی بداند و به او حسی از تعلق و ایمنی دست دهد (شولتز، ۱۳۸۶). محوریت موضوع رابطه‌ی میان معماری مکان و استقرار اندیشه در موقعیتی انتقادی نسبت به شکل‌ها و فضاهای منتج از اجتماعاتی که زاینده‌ی جابه‌جایی‌ها و اجتماعات جهانی می‌باشد، منجر به باز تحول انتقادی فرهنگ بومی با کاربرد راهبرد های مدرنیستی خواهد شد. همچنین، آنچه که بعنوان تایید محیط‌های بومی از منظر منطقه‌گرایی انتقادی مطرح است، ارتباط مشهوری با موضوع مواجهه‌ی جهان با بحران‌های رو به افزایش زیست محیطی دارد. در تبیین واژه‌ی منطقه‌گرایی، به دلیل اشتراک بسیاری از مفاهیم چه در حوزه‌ی تعریف و چه در حوزه کاربرد، عمدتاً تعابیری نتیجه می‌شود که با منظور اصلی واژه‌ی منطقه‌گرایی، اختلاف در برخی موارد تضادهای مشهود دارد. این چالش، به دلیل گستردگی حوزه‌ی نفوذ و کاربرد منطقه‌گرایی است. همچنین به دلیل آنکه منطقه‌گرایی، در دل تعاریف خود، نگاهی تعاملی به برخی واژگان دو قطبی نظیر سنت - مدرنیته، جهانی - بومی و گذشته - آینده را دارد، در صورتی که توازن میان واژه‌های دوسویه از بین برود، رویکردهای خاصی، جایگزین رویکرد منطقه‌گرایی خواهد شد که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود.

## روش تحقیق

در این بخش، به روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهش (چگونگی بررسی روایی و پایایی ابزارها) و روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود (مقالات غیر پژوهشی از این چارچوب مستثنی هستند).

## مصالح همساز با اقلیم و محیط زیست

کاربرد مفاهیم پایداری و اهداف توسعه پایدار در جهت کاهش اتلاف انرژی و آلودگی محیط زیست در معماری، مبحثی به نام معماری پایدار را به وجود آورده است. در این نوع معماری، ساختمان نه تنها با شرایط اقلیمی منطقه خود را تطبیق می‌دهد، بلکه ارتباط متقابلی با آن برقرار می‌کند. مواد و مصالح ساختمانی نقش مهمی در معماری پایدار ایفا می‌نماید و برعکس زایدات حاصل از تخریب ساختمان، تعمیر اماکن مسکونی، تجاری، صنعتی، و یا سایر فعالیت‌های ساختمان‌سازی که نخاله ساختمانی گفته می‌شود نقش متقابل و مخرب با محیط ایفا می‌کند. پسماند های ساختمانی خطری جدی برای نابودی محیط زیست محسوب می‌شوند و چاره کار آن بازیافت می‌باشد. دفن بی رویه و روانه کردن نخاله‌ها و پسماندهای ساختمانی و عمرانی به شدت خطر آفرین است و خطرات زیست محیطی را افزایش می‌دهد. این پسماند ها به مراتب خطرات بیشتری را نسبت به پسماند شهری برای سلامت مردم و محیط زیست دارند و رها کردن آن محیط زیست را به شدت به خطر می‌اندازد، با وجود این که سالانه هزاران تن نخاله ساختمانی تولید می‌شود، اگر مدیریت درستی در این حوزه نشود، ضربه‌ی جبران ناپذیری بر محیط زیست، گیاهان و درختان وارد می‌نماید. مسلماً استفاده از مواد و مصالح پایدار (تجدید پذیر) به میزان زیادی می‌تواند هم به لحاظ قابلیت استفاده مجدد در بنا، تجزیه و بازگشت به چرخه طبیعت، سازگاری با محیط زیست و نیز به لحاظ صرفه جویی در مصرف انرژی، جذب و ذخیره و بکارگیری انرژیهای طبیعی، راهکاری جهت برون رفت از این معضل باشد. صنعت ساختمان بزرگترین بخش مصرف کننده انرژی در کشور است. از طرفی ساختمان سهم زیادی در انتشار آلاینده‌های مانند دی‌اکسید کربن به جو دارد. به همین دلیل برای دستیابی به توسعه پایدار بررسی ساختمان از لحاظ مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن از دیدگاه ملی دارای اهمیت است. ساختمان با توجه به عمر مفید طولانی و گستردگی و تنوع پیامدهای زیست محیطی باید با در نظر گرفتن چرخه کامل عمر ساختمان مطالعه شود. بطوریکه مراحل مختلف از استخراج مواد خام تا بهره‌برداری و تخریب ساختمان بصورت یکپارچه در نظر گرفته شود. ساختمانها و زندگی در آنها در طول چند دهه گذشته بسیار تغییر کرده است. در واقع می‌توان گفت که، ساختمان‌های کنونی از آن نوع زیستگاه‌ها نیستند که به

حال حاضر تعلق داشته باشند. با توسعه در زمینه مصالح، فرآورده ها و روش های ساخت ابدایی، حرکت به سوی ساختمان هایی با کارایی بالاتر و صرفه اقتصادی بهتر و سازگار با محیط زیست امری ضروری می نماید. ما در حال حاضر در آستانه نسل بعدی ساختمان ها هستیم؛ ساختمان هایی کاملاً رفتار اکولوژیکی دارند و قادرند با بهره گیری هوشمندانه از مصالح سازگار و عملکردمناسب، در برابر تغییرات مستقیم و غیر مستقیم پیرامون خود واکنش نشان دهند و خود را با شرایط مناسب تطبیق دهند. این نوآوریها وظایف جدیدی را برای طراحان و معماران ایجاد می کند که از قافله پر سرعت تکنولوژی عقب نمانده و آنها را در طرح های خود بکار گیرند. لذا در این مقاله، معرفی مصالح نانو و عملکرد آنها در پروژه های ساختمانی هدف اصلی می باشد که در کشورهای پیشرفته به اجرا درآمده اند. امید است که شناخت مصالح نانو به صورت عملی ما معماران را در بکارگیری این مصالح که مهمترین مزیت آنها بهینه سازی و مدیریت هوشمند انرژی است، ترغیب نماید

### ۱- منطقه گرایی و بومی گرایی

مجموعه ای از تئوری های خود آگاهانه ای وجود دارد که باعث تمایز منطقه گرایی و بومی گرایی - پاسخ به شرایط بومی به اجبار و نه با انتخاب - می شود. بومی گرایی، اغلب با صفت ناخودآگاه تعریف می شود و اشاره به ویژگی های از بوم دارد که ساکنان، نه با اهداف منطقه گرایانه بلکه از روی تصادف، معماری خود را با آن تطبیق می دهند. اما منطقه گرایی، فعالیتی داوطلبانه و خودآگاهانه است که از میان گزینه های موجود، توسط عوامل مختلف (برنامه ریزان، معماران و یا سیاست گذاران) انتخاب می شود (Canizaro, 2007, 20).

اوزکان (۱۹۸۵) و (۲۰۰۷)، به منظور شرح تفاوت میان منطقه گرایی و بومی گرایی، به تعریف جامعی از رویکرد بومی گرایی اشاره می کند. وی با اشاره به پژوهش های رودولفسکی (۱۹۶۴) و الیور (۱۹۶۹) و (۱۹۷۷) بومی گرایان را دارای دو دیدگاه حفاظتی و تفسیری می داند و معتقد است اگر چه هر دو گروه، آرمان شان نمایش نو و معاصر از فرمها و سازماندهی فضایی معماری بومی (محلی) است اما در مواجهه با دو مفهوم " فناوری " و " اجتماع "، با هم متفاوتند. بومی گرایان محافظه کار، نظیر حسن فتحی به اجتماع توجه ویژه داشته و به احیای سنت های بومی در ساختمان سازی اهمیت می دهند. مسکن، عمومی ترین کاربری مورد استفاده ای این طیف از معماران می باشد. وی نسخه تفسیری بومی گرایی را، به نو بومی گرایی تعریف می کند که به عنوان دیدگاهی مطرح می شود که در صدد اعطای زندگی جدید به میراث بومی، برای دستیابی به کارکردهای نو و معاصر است. این روش، بیشترین کاربرد را در توسعه صنعت گردشگری دارد. نو بومی گرایان، به منظور دستیابی به آرامشی امروزی، سهولت ساخت و نگهداری بنا، از فناوری هایی که عمدتاً سابقه ای در منطقه ندارند استفاده می کنند (Oxkan, 2007, 105).

### منطقه گرایی تعاملی (بنیان نظری معماری در زمینه بیگانه)

معماری جهانی، متفاوت از تعاریف پیشین منطقه گرایی است. به عقیده ی آنها، اساسی ترین مشخصه های بنا های منطقه گرای انتقادی، آن است که این بنا ها، در دو حوزه، انتقادی هستند. علاوه بر آنکه نسبت به شیوه ی ناهنجار، خود بزرگ بین و غیر انسانی بسیاری از بناهایی که تحت نفوذ جریان فعال ساخت و ساز در سراسر دنیا ساخته می شوند، تصورات متضادی ایجاد می کنند، این پرسش را نیز در ذهن مخاطبان درباره ی درستی بسیاری از سنت های منطقه ای که بناها به آنها تعلق دارند برمی انگیزند (Tzonis & Lefavre, 1996, 488). این دو محقق اظهار می کنند که تمامی معماران، توانایی آشنایی زدایی از معماری را دارند. تعریف کردن، از هم گسیختن و ترکیب کردن عناصر (آشنایی زدایی)، مهارتی معمارانه است که جنبه جهانی یافته و منطقه گرایی، به هیچ عنوان بر محدودیت حرفه ای و اندیشه ای اشاره ندارد.

زونیس و لیفیور، جهت طرح ایده منطقه گرایی خویش، وامدار لوویس مامفورد هستند. در نوشته های دهه ی چهل مامفورد، به تسلط فناوری و محدودیت سبک بین المللی اشاره می شود. منطقه گرایی از دیدگاه این سه نویسنده ضمیمه ی مدرنیسم



است. زونیس و لیفیور نه تکرار نوستالژیک سنت های بومی را پیشنهاد می کنند و نه به طور کامل آن را رد می کنند. آنها در مقاله ی خود با "عنوان چرایی ضرورت امروزه ی بحث منطقه گرایی انتقادی ۱۲۹"، به روشنی خاطر نشان می سازند که سعی ندارند هیچ معیار های سبکی عمومی را تعریف کنند:

کنت فرامپتون (۱۹۸۵)، از دیگر نظریه پردازانی است که بسیاری بسط مفهومی شبه تئوری منطقه گرایی انتقادی را به وی نسبت می دهند. وی در توضیح منطقه گرایی انتقادی اشاره به آن دارد که این واژه در زبان بومی و مادری که در اقلیم، فرهنگ، اسطوره و هنر متجلی است، دلالت ندارد بلکه نشان دهنده مکتب های جدید محلی است که هدفشان بازتاب اصولی است که بر آن متکی شده اند. از دیدگاه تئوری انتقادی، باید به فرهنگ محلی نه بعنوان موجودیتی تغییر ناپذیر، بلکه به عنوان روندی نگریست که امروزی بوده و مستعد پرورش است. اصول ساخت نظریه فرامپتون، از نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت، همچنین تمایل به بررسی گونه شناختی ویژگی های مکان ناشی شده است. انتقاد وی شامل معماری معتبری است که بر دو معیار ریشه معمارانه بنا شده باشد، ابتدا فهم مکان و سپس ساخت و تعامل با زمین. وی به دنبال بنا کردن مجدد معماری بدون تعیین راهبرد یگانه می باشد. با این وجود، یک اثر معماری برتر، جوهره ی کلی سایت را در قالب توده ی ساختمان، استخراج می کند. (Nesbit, 1996, 468) ۱۳۱

منطقه گرایی انتقادی از دیدگاه فرامپتون، تجربه فرعی در محیط مدرنیسم است که از طریق توجه خاص به ویژگی های زمین و بستر طبیعی، در عین حالی که از جنبه های آزادی خواهانه ی اندیشه ی مدرنیسم حمایت می کند سعی در مقابله با نسخه های واحد آن بویژه در تطبیق با شرایط اقلیمی دارد. در واقع منطقه گرایی انتقادی، به جنبه هایی از فرهنگ می پردازد که در خلال تجربیات انسان ها در ارتباط با محیط طبیعی پیرامون خود بدست آمده باشند (۱۳۲) (شایان، کاملنیا، ۱۳۸۷، ۱۲). موضوع معنی دار دیگر، استفاده از مصالح بومی و صنایع دستی همچنین حساس بودن نسبت به نور و اقلیم است. این نکات معماری را از سطح موضوعی بدیع منظر، بسوی واقعیتی فضایی و تجربی ارتقا می دهد. دیدگاه های اخیر در مورد منطقه گرایی انتقادی، موضوعات اقلیمی را با قدرت بیشتری مطرح کرده و بر این نکته تاکید می کنند که معماری ای که بر سنت ساختمان سازی منطقه ای بنا شده است بیشتر در قالب معماری اکولوژیکی جلوه گر است. ۱۳۳

به طور معمول فرآیند منطقه گرایی انتقادی، در برابر یکنواخت سازی محیط مصنوع، به عنوان محصول مدرن شدن مراحل تولید و فناوری های ساخت مقاومت می کند. با این حال، فرامپتون نه کاربرد عناصر سبک بومی را تبلیغ کرده و نه مخالفتی با معماری مدرن دارد. او می خواهد نظریه ای را تولید کند که از طریق آن فعالیت های انتقادی معمارانه ادامه یابند تا بتوان آنها را بر منظر آفرینش گر و آزادانه ی جنبش مدرن پیش از جنگ جهانی دوم بنا نهاد. او در جستجوی معماری است که ظرفیت تجمیع قابلیت های هنری منطقه را داشته باشد همچنین بتواند تاثیرات فرهنگی وارداتی را نیز تفسیر کند. تضاد میان فرهنگ (پدیده ای بومی و خاص) و تمدن غالب جهانی، در خلال تئوری منطقه گرایی، از طریق تبیین تعامل میان طبیعت و فناوری ۱۳۴ قابل طرح می باشد (Nesbit, 1996, 468) ۱۳۵

منطقه گرایی انتقادی، میتواند چارچوبی مفهومی و عملیاتی برای معماری در شرایط پیچیده ی امروزه ی جهان به دست دهد. محوریت موضوع رابطه ی میان معماری مکان و استقرار اندیشه در موقعیتی انتقادی نسبت به شکل ها و فضا های منتج از اجتماعاتی که زاینده ی جابه جایی ها و اجتماعات جهانی است، منجر به باز تحول انتقادی فرهنگ بومی با کاربرد راهبرد های مدرنیستی خواهد شد. همچنین، آنچه که بعنوان تایید محیط های بومی از منظر منطقه گرایی انتقادی مطرح است، ارتباط مشهوری با موضوع مواجهه ی جهان با بحران های رو به افزایش زیست محیطی دارد.

منطقه گرایی، امروزه در صدد تبیین شرایط پیچیده ای است که از تعامل انسان با محیط زندگی اش در بستری اجتماعی و فرهنگی نتیجه شده است. این شرایط، تعاریف منطقه گرایی را از عبارتی ثابت و بی تغییر همچنین واژگانی که بر جنبه های افسانه ای و شکلی آن دلالت می کنند خارج ساخته و به پیوند میان فرهنگ و زندگی در شرایط واقعی حیات در مکان توجه دارند. "آلن" (۲۰۰۷) با تاکید بر آنکه معماری منطقه گرای ارزشمند، عمدتاً فعالیتی فرهنگی است تا سبکی، تعریف هویت



مردم را بیشتر مبتنی عمل آنها می داند تا آنچه که به چشم می آید. وی با اشاره به نوشته هایی در باب منطقه گرایی انتقادی، دو ضعف عمده حاصل از مرور تحلیلی آنها را به شرح ذیل بسط می دهد (۱۴۱):

- علیرغم تاکید بر اهمیت عمل فرهنگی، کاوشی در جهت تبیین آن ورای اشاره ای گذرا، صورت نمی گیرد.  
- به تعامل معماری و ویژگی های اجتماعی زندگی انسان ها، هیچگونه اشاره ای نمی شود و بسط تئوری، فقط در قالب فرم ها صورت می گیرد. ۱۴۲

وی با اشاره به آنکه بصیرت کافی نسبت به جنبه های اجتماعی و فرهنگی معماری نه تنها در نزد محققان منطقه گرا در حوضه ی تئوری معماری با بی توجهی بسیار روبرو شده است، از دو مفهوم مهم در جهت پاسخگویی به شرایط امروزه بهره می گیرد: اجرا ۱۴۳ و شاکله ۱۴۴ و معتقد است که این دو مفهوم در کنار یکدیگر، فهم عمیق تری نسبت به شاخصه های هویت منطقه ای در معماری ارائه خواهند داد. ۱۴۵. مفهوم اجرا، با بسطی که در حوزه ی نظریه های ادبی و مطالعات فرهنگی یافته است، به عملی اطلاق می گردد که آنچه ر که می نامد به نمایش می گذارد و بحث و جدال را برمی انگیزاند. اجرا، با اعمال تکراری فیزیکی و کلامی تعریف می شود که فهم هنجار ها را میسر می سازد. این کیفیت همچنین نیرو های مرکزی همسان ساز را در پس اعمال مخفی می سازد. منطقه گرایی اجرا شده ۱۴۶، به نوعی بر منطقه گرایی سکنی گزین ۱۴۷ دلالت دارد به گونه ای که بازگو کننده ی هویت هایی است که ساختاری اجرایی داشته و از دل صحنه های مختلف معماری و بر اساس فعالیت های منحصر به فرد انسان ها ادراک می گردند. فعالیت های که مختص مکان ها و فرهنگ های مختلف اند- (Allen,2007,422-423)

پیشنهادیه آلن درباره ی منطقه گرایی اجرایی دو دسته قابلیت را برای معماران فراهم می آورد، یکی آنکه با ایجاد مقدماتی برای ادراک تعامل میان انسان و مکان، و تبیین معماری به عنوان عملی فرهنگی، معماران را از تفسیر سبکی طراحی منطقه ای خلاصی می بخشد. دوم آنکه منطقه گرایی اجرایی با پذیرش این موضوع که معماران عمدتاً از منظری بیرونی با فرهنگ منطقه ای روبرو می شوند، امکان مواجهه ی هوشمندانه برای درک رفتار های فرهنگی بومی را فراهم آورده و بر تعامل میان معماران منطقه گرا و جوامع محلی، جهت تعیین باز نمود های درخور فرهنگ بومی تاکید می کند. اشتراک دانش، معماران را برای طراحی منطقه و مکان های زنده و اجتماعی توانمند می سازد (Ibid,426).

نظریه پردازان، سعی دارند در شرایط کثرت گرای کنونی، تعابیری از منطقه گرایی ارائه دهند که متناسب با تغییرات اجتماعی و سیاسی در جوامع مختلف، همواره پایدار بماند. "مور" (۲۰۰۷) با ارائه ی تعبیری تازه از منطقه گرایی، سعی دارد تا کاستی های منطقه گرایی انتقادی را در شرایط کنونی جهان، مرتفع سازد. وی با انتقاد از سیطره ی اندیشه ی مدرن بر رویکرد منطقه گرایی انتقادی، از رویکرد غیر مدرن ۱۴۹ در مواجهه با منطقه گرایی نام می برد. در تعریف وی نظریه های غیر مدرن، تضعیف تمایزات دکارتی میان انسان و غیر انسان (شیء) را پیشنهاد داده و بر احاطه ی اجتماع و روابط آن بر انسان اشاره دارند (Moore,2007,438).

مور، تبیین منطقه گرایی در فضای غیر مدرن را بر اساس باز تعریف دو واژه ی محوری مکان و فناوری ارائه می دهد. ۱۵۱ وی، فناوری و مکان را مفاهیمی در ارتباط با یکدیگر توصیف کرده و از تعامل آنها، تئوری "منطقه گرایی باز آفرین ۱۵۲" خود را ارائه می دهد. در تعریف مور، یک معماری باز آفرین به دنبال آن است تا نهاد های انسانی را در فرآیند باز تولید دموکراتیک، با مکانهای زندگی درگیر کند. (شکل ۴-۲) این تعریف بصورت ناکافی به افقهای فرهنگی نیز اشاره دارد چراکه ارتباط دو سویه میان فناوری و مکان از طریق فرهنگ بهتر فهم می شود. مور، اصول معماری باز آفرین خود را به شکل زیر شرح می دهد:

- ۱- یک معماری باز آفرین، قرارگاه های اجتماعی گوناگون را بوجود می آورد.
- ۲- برای مشارکت در مجموعه ی ایده های بومی، معماری باز آفرین باید به شکل قابل فهم، در شکل گیری تاریخ مکان، مشارکت داشته باشد.
- ۳- به جای ساخت موضوعات قابل رویت، تولید کنندگان معماری باز آفرین باید در ساخت فرآیند های یکپارچه ی فرهنگی و بوم شناختی، مشارکت نمایند.

- ۴- معماری باز آفرین، به در نظر گرفتن محدودیت ها و متغیر های بوم شناختی توجه خاصی دارد.
- ۵- معماری باز آفرین، فناوری های زندگی روزانه را با اهداف دموکراتیک (مشارکت شهروندان) تولید می کند.
- ۶- مداخلات فناورانه ی معماری باز آفرین، بیشتر به منظور معمولی سازی آثار انتقادی است.
- ۷- معماری باز آفرین، باعث توانمند شدن مکانها، از طریق پرورش عقاید همگرای انسانی می شود و خود را با باز تولید عقایدی که انسانها را با وضعیت بوم شناختی مکان پیوند می زند، تعریف می کند.
- ۸- یک معماری باز آفرین، توسعه ی فعالیت های موثر بر کیفیت زندگی را به خلق مکانهای تاریخی و انتقادی آموزنده، ترجیه می دهد.

آنچه از تحلیل دیدگاه های نوین منطقه گرایی نتیجه می شود آن است که گفتمان زیبایی شناسانه ی محض، که در سایر گونه های منطقه گرایی حاکم بوده، امروزه به گفتمان های اجتماعی و زیست بومی، که با شرایط روزمره ی زندگی مردم در ارتباطند، تبدیل شده است. در چنین شرایطی، نقش معماران، به عنوان بازیگر اجتماع از طراحی کالبد، به برنامه ریزی و سیاست گذاری فرآیند هایی ارتقاء یافته که در گزینش های فناورانه و بوم نگر تجلی یافته است. دایجاد مکان های مولد، که در تعادل پایدار با بوم قرار داشته و فعالیت های مشارکت جویانه ی مردم برای ایفای نقشی فعالتر در حیات اجتماعی را برمی انگیزد، مهمترین هدف منطقه گرایی در هزاره سوم است. در منطقه گرایی نوین، پذیرش فناوری به عنوان یک ساختار اجتماعی، امری حتمی و پیش رونده است.

با مطالعه ی ژرفانگر درباره ی چارچوب های نظری و چالش های مطرح شده، که در فصل پیش به آن پرداخته شد، امکان تحلیل تعامل میان پدیده ی معماری در زمینه ی بیگانه و رویکرد منطقه گرایی فراهم می شود. بر طبق فرضیه ی رساله ی پیش رو، منطقه گرایی می تواند هم به عنوان یک نظریه ی فرادست، بر "چرایی" رخداد پدیده ی فوق، دلالت کند و هم به عنوان یک روی ی عملی، بر "چگونگی" این رخداد احاطه یابد.

اثبات فرضیه فوق، نیازمند تبیین ساختاری تحلیلی است که بتواند بر پایه ی داده های موج، استنتاج نتایج را منطقی سازد. تبیین این ساختار، بر اساس استخراج نظام قیاسی میان دو حوزه ی "معماری در زمینه ی بیگانه" و "منطقه گرایی" صورت می گیرد. این نظام، اشتراک حوزه های ادبیات موضوع را بر دو محور "ساختار های نظری" و چالش های مطرح شده "دنبال می کند. آنچه لازم به شرح بیشتر است آن است که هدف از این قیاس، تنها ارائه ی پاسخ های اثباتی یا انکاری، بر فرضیه ی طرح شده نیست، بلکه مهمتر از آن، حصول مدلی است که بتواند رویکرد های نوین منطقه گرایی را در مواجهه با پدیده ی معماری در زمینه ی بیگانه، پیش بینی کند. دست یابی به این مدل، با توجه به مطالعه ی انجام شده درباره ی تطور زمانی منطقه گرایی، کاملاً دست یافتنی به نظر می رسد.

#### تعامل گرایی و همگرایی در ساخت با تاثیر از منطقه

تعامل گرایی، در برابر شیوه ی دوگانه انگار نه تفکری مطرح می شود که تسلطی زیان بار بر فلسفه ی علوم اجتماعی دارد. فی (۱۳۸۶)، دوگانه انگاری را پرسش سوال ها، به صورت این یا آن گزینه می داند که یکی از آن ها به عنوان گزینه ی صحیح دفاع می شود. تعامل گرایی به عقیده ی وی، شیوه ی تفکر دیالکتیکی است که در آن، تفاوت ها مطلق انگاشته نمی شوند. در این نگاه، شقوق مختلف، در عین اینکه با هم در رقابت اند، فقط به ظاهر نسبت به هم ((دیگری)) هستند. آن ها در واقع امر پیوند متقابل عمیقی دارند و مواجهه ی میان آنها، آشکار می کند که چگونه این تفاوت ها را می توان فهمید و از آن ها برگذشت. ۱۵۵

تعامل گرایی، بیشترین تاثیر را در تحلیل روابط فرهنگی دارد. تعامل گرایی، هم نظری است درباره ی تاریخ و فرهنگ بشری و هم توصیه ی اخلاقی و نوعی نگرش و پاسخ به تبادل چند فرهنگی، تعامل گرایی در مقام نظری درباره ی تاریخ و فرهنگ بشری، رابطه ی میان خویشتن و دیگری را به صورت دیالکتیکی به تصور در می آورد و در برابر دو نوع دوگانه انگاری در این حوزه مقاومت می کند: راه اول یکی شدن خود و دیگری است که در آن تفاوت ها محو می شوند ۱۵۶ و راه دوم، جدا ماندن و سخت تر و قوی کردن تفاوت ها. ۱۵۷ تعامل گرایی، تاکید دارد که هویت خویشتن، پیوند نزدیکی با هویت دیگری دارد و



خویشتن و دیگری دائما در سیلان هستند و هر دو همانقدر که اختلاف دارند شبیه هم اند (شکل ۶-۳). تعامل گرایان معتقد اند که تبادل فرهنگی و اجتماعی لزوما نباید منجر به محو کردن تفاوت ها شود یا منجر به تداوم تفاوت ها، بلکه باید منجر به توان آزمایی با خود، آموختن و در نتیجه رشد شود. تعامل گرایی نه در خیال برگزشتن از تفاوت هاست و نه در سودای حفظ "ذاتی" و "خالص". سودای تعامل گرایی "هم آمیزی پویایی" است که در آن طرفین دائما تغییر می کنند (فی، ۱۳۸۶). هم آمیزی پویایی حاصل از نگرش تعامل گرایی، چارچوب مفهومی حاکم بر پدیده ی معماری در زمینه بیگانه است. همانطور که پیشتر اشاره شد ۱۵۹ پدیده ی فوق، خلق محصول معماری را در فضایی بینافرهنگی، حاصل از تعامل مولد های طراحی تعریف میکند. نگرش تعامل گرایی، بر این باور است که در پس تفاوت های هر کدام از این مولد ها، انگیزه های تعامل نهفته است. در چنین فرآیند، هر کدام از مولد ها، بدون تاکید بر ذاتی و بی تغییر بودن هویت خویش با مولد های دیگر درگیر و خود را در محیط بالندگی قرار می دهد. معمار، به عنوان اصلی ترین عامل، در مواجهه با بستر بیگانه، نه مجاز است که با نادیده گرفتن هویت خلاقانه ی خویش با بستر طراحی به یکپارچگی کامل و درهم تنیدگی دست یابد و نه می بایست با اصرار بر بزرگ نمایی تفاوت های موجود، تنها هویت های ذاتی خویش را بدون تغییر، به نمایش گذارد. تعامل گرایی، مدلی برای ارتباط معمار با بستر بیگانه فرآهم می آورد که محصول آن دربردارنده ی مشخصه هایی از هم آمیزی پویای معمار و بستر فرهنگی است. تاکید بر خلاقیت مسوولانه ی معمار و توجه به برانگیختن احساسات وی در تعامل با بستر فرهنگی، نشان از بستر سازی فرایند پویایی دارد که معمار و بستر، در سیلان دائمی بر هم اثر گذاشته و موجبات تحول و رشد یکدیگر را فرآهم می آورند. تفاوت بستر فرهنگی معمار با سایر مولد های طراحی، نه تنها بازدارنده ی تعامل نیست، بلکه فرآیند تعامل را تسریع می بخشد. معمار در چنین شرایطی، تفاوت های عمده ای را درک می کند که برای برگزشتن از آنها و دستیابی به هم آمیزی، نیاز به درگیر شدن با زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی کارفرما، مخاطب و بستر طراحی دارد. مواجهه درگیرانه نیازمند بهره مندی از تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی، امکان ایجاد فضای دیالکتیکی را میان ذهن معمار و مولفه های طراحی فرآهم می آورد. تفکر انتقادی، در برابر هویت های ثابت و خالص مقاومت کرده، تماس های فرهنگی را به تصور درآورده و امکان بازآموزی و کسب بهترین پاسخ را از این تماس ها فرآهم می کند. معمار همچنین، برای دستیابی به منطقی ترین نتیجه در مواجهه با زمینه ی بیگانه، نیازمند ذهنی سیال است.

جدول مقایسه دو اقلیم

جدول ۱-۱

اقلیم			
عنوان	گرم و خشک	سرد و کوهستانی	تفاوت و شباهت
موقعیت	فلات مرکزی	دامنه رشته کوه‌های البرز و زاگرس	—
عکس			—
پلان			—
ویژگی های اقلیم	بارندگی بسیار اندک رطوبت بسیار ناچیز پوشش گیاهی بسیار کم خاک خشک اختلاف دمای شب و روز زیاد	بارندگی زیاد بیشتر برف منابع تامین آب رودخانه پوشش گیاهی کم باد نامطلوب خاک سخره ای و سنگی	شباهت: پوشش گیاهی کم تفاوت: در اقلیم گرم و خشک بارندگی کم ولی در اقلیم سرد و کوهستانی بارندگی بسیار زیاد است.
فرم ساختمانی	داشتن حیاط مرکزی استفاده از بادگیر اتاق های مرتفع بام مسطح یا گنبدی پایین بودن بنا از سطح معبر	درونگرا عرض کم خانه ها باز شو های کم و کوچک سقف شیب دار	شباهت: درونگرا هستند تفاوت: گرم و خشک بام مسطح دارد اما سرد و کوهستانی شیب دار
ویژگی های بافت شهری و روستایی	ایجاد سایه و استفاده از جریان هوا دو عامل و فرم بنا در شکل دهنده به بافت شهری این ناحیه می باشد. پیچ و خم و شکستگی در معابر جداره بلند	بافت متراکم و فشرده فضاهای کوچک و محصور بهره گیری از جهات آفتاب و زمین معابر باریک	در هر دو اقلیم بافت شهری متراکم برای ایجاد سایه و استفاده از جریان هوا دیده میشود.
مصالح	آجر_خشت	چوب_سنگ	—



## جدول ۱-۲

ردیف	کلیدساختاری	اقلیم سرد و کوهستانی	اقلیم گرم و خشک	اقلیم گرم و مرطوب	اقلیم معتدل و مرطوب
۱	نما				
۲	منطقه	کوهستان های غربی	فلات مرکزی	سواحل جنوبی	سواحل جنوبی دریای خزر
۳	ویژگی اقلیم	زمستان ها طولانی و فصل بهار کوتاه می باشد	بارندگی بسیار کم رطوبت پایین. کم بودن پوشش گیاهی	بارندگی اندک رطوبت زیاد هوا	بارندگی زیاد در تمام فصول سال رطوبت زیاد پوشش گیاهی وسیع
۴	مصالح	چوب - کاه گل - خشت	اجر خشت	چوب - خشت	چوب. غالباً نباتی هستند
۵	فرم ساختمانی	دیوار های قطور. اتاق هایی کوچک و درون گرا	داشتن حیاط مرکزی استفاده از بادگیر مرتفع بام مسطح یا گنبدی	قرار گیری در جهت وزش باد مطلوب. نداشتن پنجره در شرق و غرب	ساخت خانه روپایه های چوبی تهویه طبیعی پلان های گسترده ایوانک

**منابع و مراجع**

- [۱] مجمع کمیسیون جهانی زیست و کمیسیون پرلند، ۱۹۸۷
- [2] Van Der Rayn & Calthorpe, Sustainable Communities. A New Design Synthesis for Cities, Suburbs, and Towns, 1986: 111.
- [3] Van Der Rayn & Calthorpe, Sustainable Communities. A New Design Synthesis for Cities, Suburbs, and Towns, 1986: 112
- [4] Van Der Rayn & Calthorpe, Sustainable Communities. A New Design Synthesis for Cities, Suburbs, and Towns, 1986: 2
- [5] Browns .B , Ecological Design: Inventing the Future ,1990: 256
- [6] Williams on, The Four Worlds of Sustainability(DRAWING UPON FOUR UNIVERSAL PERSPECTIVES TO SUPPORT SUSTAINABILITY INITIATIVES) , 2003: 24
- [7] Van Der Rayn & Calthorpe, Sustainable Communities. A New Design Synthesis for Cities, Suburbs, and Towns, 1986: 40.
- [8] Browns .B , Ecological Design: Inventing the Future ,1990: 258.
- [9] Van Der Rayn & Calthorpe, Sustainable Communities. A New Design Synthesis for Cities, Suburbs, and Towns, 1986: 40
- [۱۰] اسکات، مایرس، "چه چیز توسعه اقتصادی را پایدار میکند؟"، ترجمه دکتر آزاد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱.
- [۱۱] اسکات، مایرس، "چه چیز توسعه اقتصادی را پایدار میکند؟"، ترجمه دکتر آزاد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴.
- [12] Hawkan , Sustainable Development Planning and Construction in Putrajaya, 1999, 01.
- [13] Ekins, Hillman& Hulchinson, Reinventing Capitalism: Diagramming Living Capital Flows in a Green, Sustainable, and Responsible Economy,1992: 32.
- [14] Elkington, Cannibals with Forks: The triple bottom line of 21st century business, 1997 , 139.
- [15] Hawkes, J, The Fourth Pillar of Sustainability: culture's essential role in public planning, 2001, 11.
- [۱۶] اسکات، مایرس، "چه چیز توسعه اقتصادی را پایدار میکند؟"، ترجمه دکتر آزاد، ۱۳۷۹، ص ۸۶.
- [۱۷] اسکات، مایرس، "چه چیز توسعه اقتصادی را پایدار میکند؟"، ترجمه دکتر آزاد، ۱۳۷۹، ص ۸۶.
- [18] Hagan , Natural Capitalism: Creating the Next Industrial Revolution, 2001,:3.
- [19] Hagan, Natural Capitalism: Creating the Next Industrial Revolution, 2001, :4.
- [20] Kibert, First International Conference on Sustainable Construction, 1994.
- [21] Maxman, Accounting for Environmental Cost, 1992: 22.
- [22] Pederson B. Environmental Assessment of Products: a Course on Life Cycle Assessment, 1996., 12.
- [23] Browns .B , Ecological Design: Inventing the Future ,1990: 17.
- [24] Kim, jong, , The Skyscraper Bioclimatically Considered, Academy Editions, 1998: 11.
- [25] Hawkes, J, The Fourth Pillar of Sustainability: culture's essential role in public planning, , 2001: 7.
- [۲۶] فرشاد، مهدی، نگرش مسیحی، ۱۳۶۲، ص ۸۰.
- [۲۷] نصر، سید حسین، انسان و طبیعت(بحران معنوی انسان متجدد)، ترجمه دکتر عبد الرحیم گواهی، ۱۳۷۹، ص ۸۹.
- [۲۸] گروتو، یونگ، زیبایی شناسی در معماری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰.
- [۲۹] ناس، جان، تاریخ ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی، ۱۳۴۹، ص ۲۳۷
- [۳۰] شریفی، علی، تاریخ ادیان، ۱۳۵۲، ص ۱۵۸
- [۳۱] نصر، سید حسین، انسان و طبیعت(بحران معنوی انسان متجدد)، ترجمه دکتر عبد الرحیم گواهی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸.
- [۳۲] نصر، سید حسین، دین و نظام طبیعت، ترجمه دکتر محمد حسن مغفوری، ۱۳۸۴، ص ۳۸۰
- [25]"http://math.berkeley.edu/~sethian/Explanations/level\_set\_explain.html"